



Original Article

The Cascading Liquidation of Contractual Collections in the French Legal System

Mohammad Ali Saeedi¹, Sedigheh Mohammad Hassani² 

ABSTRACT

Economic developments caused French law to move from the opinion of the inviolable independence of contracts to the acceptance of the concept of “contractual groups” including contractual chains and contractual collections. This movement evolved with the identification of contractual collections and the declaration of Caducité as a sanction for them in Articles 1186 and 1187 of the 2016 amendments to the Civil Code. Contractual collections are a group of contracts that take part in the implementation of unit operation and are connected – with objective unilateral or mutual dependence links (the impossibility of executing the contract in the event of the dissolution of other contracts of collection) or subjective (will of the parties to contracts of collection). In case of liquidation of one contract of the collection contracts and proving the knowledge of the party -against whom the Caducité is invoked- to existence of the overall operation, the sanction of “Caducité” will be activated and will cause the cascading liquidation of the other contracts of collections. “Caducité” is “automatic” and “complete” sanction that eliminates all provisions of contracts and related conditions such as dispute resolution conditions. Determining the scope of Caducité in terms of regressive effects is left to the judges. Paying attention to the achievements of French law regarding contractual collections accelerates the design and evolution of this theory in Iran's legal system; therefore, the present article examines the contractual collections in the French legal system by an analytical-descriptive method.

KeyWords: Caducité, Cascading Liquidation, Contractual Groups, Contractual Collections.

How to Cite: Saeedi, Mohammad Ali, Mohammad Hassani, Sedigheh, "The Cascading Liquidation of Contractual Collections in the French Legal System", *Legal Research*, Vol. 27, No. 106, 2024, pp:155-168.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.232788.2565>

Received: 16/08/2023-Accepted: 18/11/2023

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

2. Ph.D., Faculty of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

Corresponding Author Email: mohamadhasani600@yahoo.com



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



انحلال آبخاری مجموعه‌های قراردادی در نظام حقوقی فرانسه

محمدعلی سعیدی^۱، صدیقه محمدحسینی^۲

چکیده

تحولات اقتصادی سبب حرکت حقوق فرانسه از دیدگاه استقلال خدشه‌ناپذیر قراردادها به سوی پذیرش مفهوم گروه‌های قراردادی شامل زنجیره‌های قراردادی و مجموعه‌های قراردادی شد. این جنبش با شناسایی مجموعه‌های قراردادی و اعلام ضمانت‌اجرای انتفا برای آن در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی تکامل یافت. مجموعه‌های قراردادی گروهی از قراردادها هستند که در تحقق عملیات واحدی مشارکت دارند و با پیوندهای وابستگی یکجانبه یا متقابل عینی (ناممکن شدن اجرای قرارداد در صورت انحلال سایر قراردادهای مجموعه) یا ذهنی (اراده اطراف قراردادهای مجموعه) به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در صورت انحلال یکی از قراردادهای مجموعه و اثبات علم طرفی که علیه وی به انتفا استناد شده به وجود عملیات مجموعی، ضمانت‌اجرای انتفا فعال شده و سبب انحلال آبخاری سایر قراردادهای مجموعه خواهد شد. انتفا یک ضمانت‌اجرای خودکار و اتوماتیک و کامل است که تمام مفاد قراردادها و شروط ضمن آن، مانند شروط حل و فصل اختلاف را منتفی می‌کند. تعیین قلمرو انتفا از حیث آثار قهقرایی به قضات واگذار شده است. توجه به دستاوردهای حقوق فرانسه در مورد گروه‌های قراردادی، طرح و تکامل این نظریه در نظام حقوقی ایران را تسریع می‌بخشد؛ لذا مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی مجموعه‌های قراردادی در نظام حقوقی فرانسه می‌پردازد.

کلید واژگان: انتفا، انحلال آبخاری، گروه‌های قراردادی، مجموعه‌های قرارداد.

استناد به این مقاله: سعیدی، محمدعلی، محمدحسینی، صدیقه، «انحلال آبخاری مجموعه‌های قراردادی در نظام حقوقی فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۶، شهریور ۱۴۰۳، صص: ۱۵۵-۱۶۸.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.232788.2565>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

۱. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران
۲. دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران
ایمیل نویسنده مسئول: mohamadhasani600@yahoo.com



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

تحولات روزافزون اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی ضرورت تحول در عرصه‌ای حقوقی را بیش از پیش آشکار می‌کند. یکی از این عرصه‌ها لزوم گذار حقوق قراردادهای از دیدگاه استقلال تام قراردادهای به سمت شناسایی گروه‌های قراردادی است. دیگر دیدگاه کلاسیک مبتنی بر استقلال خدشه‌ناپذیر قراردادهای پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی نیست. به عنوان مثال تحقق یک پروژه کلان اقتصادی از طریق انعقاد تک قراردادهای مستقل ممکن نیست، بلکه انجام دادن آن منوط به انعقاد ده‌ها یا حتی صدها قراردادی است که ارتباط تامی با یکدیگر دارند و به نحو غیرقابل‌انکاری بر یکدیگر مؤثرند.

حقوق کشور فرانسه نیز ابتدا براساس اصل تئوری استقلال تام قراردادهای شکل گرفته بود. دکترین مفصل و پرسابقه اصل نسبی بودن^۱ و قابلیت استناد قراردادهای، که آثار قرارداد را جز در موارد استثنایی محدود به طرفین آن می‌داند، مؤید این دیدگاه در حقوق کشور فرانسه است.^۲ اما تحولات اقتصادی، توجه دکترین، رویه قضایی و قانون‌گذار کشور فرانسه را به تدریج به موضوع گروه‌های قراردادی جلب کرد.

در سطح دکترین، برنارد تسییه نخستین حقوق‌دانی بود که ارزش حقوقی این واقعیت اقتصادی را تشخیص داد و گروه‌های قراردادی^۳ را به زنجیره‌های قراردادی^۴ و مجموعه‌های قراردادی^۵ تقسیم کرد؛^۶ تقسیمی که همچنان ملاک عمل حقوق‌دانان فرانسوی است.

زنجیره‌های قراردادی گروهی از قراردادهای هستند که در طول زمان به دنبال یکدیگر منعقد می‌شوند؛ مشخصه اصلی آن‌ها وجود حداقل یک قرارداد میانی و واسط است و در آن عقد سابق، علت یا موضوع عقد لاحق را تشکیل می‌دهد. در مقابل، مجموعه‌های قراردادی گروهی از قراردادهای هستند که در تحقق عملیات واحدی مشارکت دارند و با پیوندهای وابستگی یکجانبه یا وابستگی متقابل به یکدیگر مرتبط می‌شوند.^۷

به منظور تبیین هرچه بیشتر انواع مختلف گروه‌های قراردادی به ذکر مثال برای هر یک می‌پردازیم. قراردادهای پیمانکاری فرعی مثالی برای زنجیره‌های قراردادی مرتبط از طریق علت است که در آن قرارداد اصلی منعقد بین کارفرما و پیمانکار اصلی، علت انعقاد قرارداد پیمانکاری فرعی است. اجاره‌های فرعی در فرضی که عین واحد، موضوع چندین قرارداد اجاره متوالی قرار می‌گیرد، مثالی برای زنجیره‌های قراردادی مرتبط از طریق موضوع است. قراردادهایی که برای استخراج یک معدن مس منعقد می‌شود مثالی برای مجموعه‌های قراردادی است. در مثال مزبور، عملیات کلی استخراج معدن، هدف و علت اصلی انعقاد قراردادهای متعدد پیمانکاری، حمل و نقل، بیمه و غیره محسوب می‌شود تا هدف اقتصادی مورد نظر محقق شود.^۸

در سطح رویه قضایی کشور فرانسه نیز شناسایی پدیده گروه‌های قراردادی ، مسیری پرفرازونشیب را طی کرده است. علیرغم طرح دعاوی مهم و مکرر پیرامون گروه‌های قراردادی، دیوان عالی

1. L'effet relatif du contrat

2. Opposabilité des contrats aux tiers

3. Carbonnier, Jean. *Les obligations*, Paris: PUF (Presses universitaires de France), 22ème édition, 2000, P 345.

4. groupes de contrats

5. les chaînes de contrats

6. les ensembles contractuels

7. Teyssié, Bernard. "Les groupes de contrats", Thèse de doctorat Droit, Montpellier, 1975, P 78.

8. Serageldin, Sami. "Les clauses ayant effet à l'échelle des groupes de contrats", Thèse de doctorat, Lyon: Université Jean Moulin, 2014, P 120.

9. Ibid, P 88.

کشور فرانسه برای مدت طولانی از به رسمیت شناختن وابستگی متقابل بین قراردادهایی که در راستای تحقق یک عملیات اقتصادی مشترک منعقد شده بود، امتناع می‌ورزید. چنان‌که در سال ۱۹۷۲ شعبه بازرگانی دیوان عالی کشور فرانسه^۱ در رأی خود از به رسمیت شناختن هرگونه تقسیم‌ناپذیری قراردادی استنکاف ورزید. این مجموعه قراردادی متشکل از دو قرارداد فروش منعقد شده توسط یک شرکت و یک قرارداد دریافت تسهیلات به منظور تأمین مالی قراردادهای فروش بود که به‌طور هم‌زمان منعقد شده بود. علیرغم از بین رفتن سودمندی و توجیه اقتصادی قرارداد دریافت تسهیلات به‌دنبال انحلال قراردادهای اصلی فروش، دیوان عالی کشور بقای قرارداد تأمین مالی را تأیید کرد. دیوان براساس اصل نسبی بودن قراردادهای معتقد بود اگر یک قرارداد به‌صورت مجزا و جداگانه از سایر قراردادهای منعقد شود، علیرغم تعلق همه این قراردادهای به یک عملیات اقتصادی واحد از استقلال خاص خود برخوردار است.

اما رویه فوق به تدریج تغییر یافت؛ تا آنجا که در دو رأی معروف شعبه مختلط دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۷ می ۲۰۱۳، دیوان عالی کشور فرانسه به‌وضوح وابستگی متقابل ناشی از نظم عمومی^۲ را در عملیات قراردادی حاوی اجاره مالی^۳ تأیید^۴ و مقرر کرد: «قراردادهایی که به‌طور هم‌زمان یا متوالی انعقاد یافته‌اند و بخشی از یک عملیات قراردادی حاوی اجاره مالی هستند به یکدیگر وابسته‌اند؛ به گونه‌ای که شروط مبنی بر مستقل بودن این قراردادهای مندرج در قراردادهای مزبور که مغایر با این وابستگی متقابل است نانوشته تلقی می‌شوند».

در سطح قانون‌گذاری نیز نخستین آثار حقوقی زنجیره‌های قراردادی (مانند دعوای مستقیم مالک علیه مستأجر فرعی (ماده ۱۷۵۳) و دعوای موکل اصلی علیه وکیل فرعی (بند ۲ ماده ۱۹۹۴)) از زمان تدوین قانون مدنی آشکار شد. مجموعه‌های قراردادی نیز نخستین بار در دو قانون معروف یعنی قانون اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان و حمایت از آنها در زمینه برخی عملیات اعتباری مصوب دهم ژانویه ۱۹۷۸^۵ و قانون اطلاع‌رسانی و حمایت از دریافت‌کنندگان تسهیلات در زمینه اموال غیرمنقول (املاک و مستغلات) مصوب ۱۹۷۹ شناسایی شد که به موجب آن سرنوشت دو قرارداد دریافت تسهیلات و بیع به یکدیگر پیوند خورد. به‌گونه‌ای که انحلال هر یک از این دو قرارداد انحلال قرارداد دیگر را در پی دارد. نهایتاً در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی، مقنن فرانسوی در راستای ارائه یک رژیم حقوقی منسجم، به موضوع مجموعه‌های قراردادی و وابستگی متقابل قراردادی پرداخت؛ موضوعی که مدت‌ها پیش از این، محل عدم قطعیت و اختلافات فراوان بود.

بر نظریه گروه‌های قراردادی آثار متعدد تئوریک و عملی مترتب است که مورد توجه حقوق فرانسه قرار گرفته است.^۶ یکی از مهم‌ترین این مسائل این پرسش است که انحلال یک قرارداد بر سرنوشت سایر قراردادهای مجموعه چه تأثیری خواهد داشت؟ آیا انحلال یکی از قراردادهای مجموعه سبب انحلال سایر قراردادهای خواهد شد یا اساساً تأثیری بر وجود سایر قراردادهای نخواهد داشت، حتی اگر سایر قراردادهای توجیه وجودی خود را کاملاً از دست بدهند؟

^۱ . Cass., com., 21 mars 1972, pourvoi n°70-12.836, publié au Bulletin.

^۲ . d'ordre public

^۳ . opérations incluant une location financière

^۴ . Cass. ch. mixte, 17 mai 2013, pourvois n° 11-22.768 et n° 11-22.927, publiés au Bulletin, R., p. 507 ; Bull. ch. Mixte n°1; D. 2013, p 1273, obs. Delpech ; - <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000027424507/> (last visited on 2023/ 07/ 23).

^۵ . Loi n°78-22 du 10 janvier 1978 relative à l'information et à la protection des consommateurs dans le domaine de certaines opérations de crédit.

^۶ . از جمله آثار مربوط به تسری شروط داوری در گروه‌های قراردادی

Pellé, Sébastien. "La notion d'interdépendance contractuelle, contribution à l'étude des ensembles de contrat", thèse pour le doctorat en droit. *l'Université Panthéon-Assas*, 2007, P 468.

توجه به دستاوردهای حقوق فرانسه در مورد گروه‌های قراردادی، طرح و تکامل این نظریه در نظام حقوقی ایران را تسریع خواهد کرد؛ لذا در مقاله حاضر پس از تبیین شرایط تحقق مجموعه‌های قراردادی در نظام حقوقی فرانسه به ضمانت‌اجرای مجموعه‌های قراردادی می‌پردازیم و به این پرسش پاسخ خواهیم داد که انحلال یک قرارداد چه تأثیری بر سرنوشت سایر قراردادهای مجموعه قراردادی خواهد داشت؟ پدیده‌ای که از آن در حقوق فرانسه تحت عنوان انحلال آبخاری^۱ یاد می‌شود.

۱. شرایط تحقق مجموعه‌های قراردادی در قانون مدنی فرانسه

اصلاحات قانون مدنی در سال ۲۰۱۶ با وضع مفهوم وابستگی متقابل قراردادی در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ تکامل آهسته و تدریجی رویه قضایی را تکمیل کرد و جست‌وجوی مبنای حقوقی برای این نهاد را غیرضروری ساخت؛ چراکه وابستگی متقابل به یک مفهوم مستقل حقوقی دارای مبنای قانونی خاص تبدیل شد.

ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی جدید مقرر می‌دارد: «اگر یکی از عناصر اساسی قراردادی که صحیحاً منعقد شده از بین برود قرارداد منتفی خواهد شد. هرگاه اجرای چندین قرارداد برای اجرای یک عملیات ضروری باشد و یکی از آن‌ها منحل شود، قراردادهایی که اجرای آن‌ها با این انحلال غیرممکن می‌شود و قراردادهایی که اجرای عقد منحل شده شرط تعیین‌کننده رضایت و توافق یکی از طرفین بوده است نیز منتفی می‌شوند. لکن انتفا محقق نمی‌شود مگر آنکه متعهدی که علیه وی به انتفا استناد شده، هنگام رضایت، به وجود عملیات کلی و مجموعی عالم باشد^۲».

از ماده فوق‌الذکر استنباط می‌شود که تحقق مجموعه‌های قراردادی منوط به تحقق دو شرط است: ۱. وجود یک عملیات کلی، منجسم و هماهنگ. ۲. وابستگی متقابل عینی یا ذهنی بین قراردادهای مزبور.

۱.۱. وجود یک عملیات کلی^۳

مجموعه‌های قراردادی به‌عنوان یک مفهوم نوپیدا می‌تواند موقعیت‌های گوناگونی را نشان دهد که در آن‌ها چندین قرارداد در تحقق یک عملیات کلی مشارکت دارند. مانند قرارداد اجاره اعتباری^۴ و اجاره مالی^۵ که شامل قراردادهای فروش و قراردادهای تأمین مالی است؛ قرارداد چارچوب^۶ که شرایط عمومی روابط طرفین را در دراز مدت معین می‌کند و قراردادهای اجرا^۷ که به تعیین تعهدات طرفین براساس روابط قراردادی آن‌ها می‌پردازند؛ قراردادهای فروش و تأمین یا نگهداری تجهیزات رایانه‌ای یا قرارداد فروش یا اجاره تجهیزات کامپیوتری و لیسانس نرم‌افزار تنها نمونه‌های ساده‌ای از مجموعه‌های قراردادی است که تحقق یک عملیات کلی را دنبال می‌کنند^۸.

^۱. anéantissements en cascade

^۲. Article 1186: «Un contrat valablement formé devient caduc si l'un de ses éléments essentiels disparaît. Lorsque l'exécution de plusieurs contrats est nécessaire à la réalisation d'une même opération et que l'un d'eux disparaît, sont caducs les contrats dont l'exécution est rendue impossible par cette disparition et ceux pour lesquels l'exécution du contrat disparu était une condition déterminante du consentement d'une partie. La caducité n'intervient toutefois que si le contractant contre lequel elle est invoquée connaissait l'existence de l'opération d'ensemble lorsqu'il a donné son consentement».

^۳. Une opération d'ensemble

^۴. Le crédit-bail

^۵. la location financière

^۶. un contrat-cadre

^۷. les contrats d'application

^۸. Benhamou, Elsa. "L'interdépendance contractuelle", La thèse de master, *The Université Grenoble Alpes*, 2018, P 30.

دکترین حقوقی معتقدند عملیات کلی با قراردادهایی توصیف می‌شود که در تحقق عملیات اقتصادی مشترکی سهیم‌اند؛ به گونه‌ای که کلیه این قراردادها هدف واحدی را دنبال می‌کنند و مستقل از یکدیگر معنایی ندارند؛ این قراردادها هیچ جایگزینی ندارند و سایر قراردادهای مجموعه نمی‌تواند جای آن‌ها را پر کند.^۱ مقنن فرانسوی به لزوم وجود عملیات کلی با این عبارت اشاره می‌کند: «در صورتی که انعقاد چندین قرارداد برای اجرای یک عملیات ضروری باشد».

۱.۲. وابستگی متقابل عینی یا ذهنی بین قراردادهای یک مجموعه^۲

پس از احراز وجود یک عملیات کلی، ضروری است وابستگی متقابل بین قراردادهای تشکیل‌دهنده مجموعه محقق شده باشد. به بیان دیگر، احراز تقسیم‌ناپذیری بین قراردادهای مجموعه قراردادی است؛ به گونه‌ای که قراردادها را به یکدیگر مرتبط می‌کند و انحلال هر یک منجر به انتفای سایر قراردادها می‌شود. مقنن فرانسوی در بند ۲ ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی دو معیار شناسایی وابستگی متقابل قراردادی را بیان کرده است.

معیار عینی: وابستگی متقابل عینی^۳ فراتر از اراده طرفین عبارت است از تشخیص اینکه کلیه قراردادهای تحقق یک عملیات اقتصادی واحد و منحصر به فرد را دنبال می‌کنند و انحلال یکی از قراردادهای مجموعه، اجرای سایر قراردادها را «غیرممکن»^۴ می‌کند. قانون مدنی این معیار را این‌گونه بیان می‌کند: «قراردادهایی که اجرای آن‌ها با این انحلال (قرارداد نخست) غیرممکن می‌شود»^۵.

به منظور احراز تقسیم‌ناپذیری عینی که در ضمن قراردادها وجود دارد قضات محاکم می‌توانند به امارات ذیل استناد کنند: انعقاد قراردادها توسط نماینده واحد؛ امضای قراردادها در یک روز واحد؛ انعقاد قراردادها برای یک دوره یا انعقاد قراردادها برای هدف مشترک.

نمونه‌هایی از این وابستگی متقابل عینی را می‌توان در رویه قضایی یافت که پیش از تصویب قانون مدنی شکل گرفته است. به عنوان مثال، فسخ قهقری^۶ قرارداد تأمین نرم‌افزار، اجرای قراردادهای تعمیر و نگهداری، آموزش و اجرا را غیرممکن کرد.^۷ در این پرونده بدون لحاظ اراده و قصد مشترک طرفین، دیوان عالی کشور فرانسه مقرر کرد که قراردادهای مزبور به‌طور عینی^۸ به یکدیگر وابسته‌اند؛ زیرا قراردادهای تعمیر و نگهداری و اجرای نرم‌افزار در صورت انحلال قرارداد تأمین نرم‌افزار، هیچ توجیه و منطق دیگری نداشت و اجرای آن‌ها به دلیل انحلال قرارداد نخست غیرممکن شده بود. به بیان روشن‌تر، وقتی نرم‌افزاری وجود ندارد نگهداری و تعمیر آن دیگر بی‌معناست.

معیار ذهنی: وابستگی متقابل ذهنی^۹، که در بند ۲ ماده ۱۱۸۶ نیز به آن اشاره شده، عبارت است از اینکه اجرای قرارداد

^۱ . Deshayes, Olivier., Genicon, Thomas., Laithier, Yves-Marie. *Réforme du droit des contrats, du régime général et de la prevue des obligations*, Paris: Dalloz, 2018, P349.

^۲ . Interdépendance objective ou subjective entre les contrats

^۳ . l'interdépendance objective

^۴ . impossible

^۵ . «les contrats dont l'exécution est rendue impossible par cette disparition».

^۶ . la résolution

^۷ . Cass., com., 13 février 2007, pourvoi n°05-17.407, Bull. civ. IV, n°43: admettant une indivisibilité fondée sur un lien objectif entre les contrats, ces contrats n'ayant aucun sens indépendamment les uns des autres.

<https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000017635684/> (last visited: 2023/07/23).

^۸ . objectivement

^۹ . l'interdépendance subjective

منحل شده «شرط تعیین کننده و قاطع برای رضایت یکی از طرفین قرارداد دوم باشد»^۱. اگرچه با انحلال قرارداد نخست، امکان اجرای قرارداد دوم از نظر مادی کاملاً فراهم است، طرف قرارداد مشروط به اجرای قراردادی، که در حال حاضر منحل شده، راضی به انعقاد قرارداد شده بود و اگر قرار بود این قرارداد اجرا نشود، اساساً قرارداد دوم را منعقد نمی کرد. وابستگی متقابل ذهنی را می توان از اشتراط شرط تقسیم ناپذیری^۲ توسط طرفین در متن قرارداد استنباط کرد. اما باید توجه داشت که شرط مزبور برای قضاوت محاکم الزام آور نیست؛ به این معنا که برای اثبات وابستگی متقابل ذهنی باید قاضی را متقاعد کرد که قرارداد منحل شده، ماهیت تعیین کننده ای نسبت به اجرای قرارداد دوم دارد. ضمن اینکه ممکن است قضاوت محاکم با رفتاری که طرفین پس از انعقاد قرارداد اتخاذ کرده اند به امری برخلاف این تقسیم ناپذیری هدایت شوند. بنابراین قانون مدنی یکی از دو رویکرد وابستگی متقابل عینی یا ذهنی را به طور مسلم و جزمی انتخاب نمی کند، بلکه هر دو رویکرد را به عنوان مبنای وابستگی متقابل قراردادی پذیرفته که قضاوت محاکم می توانند به آن تمسک کنند. این وابستگی متقابل قراردادی را می توان از طریق تلفیق دو معیار فوق شناسایی کرد: «عناصر عینی اثبات کننده وجود اراده مشترک طرفین»^۳.

۲. انحلال آبخاری؛ ضمانت اجرای مجموعه های قراردادی

ماده ۱۱۸۶ ق.م.ف^۴ یا انتفا را به عنوان ضمانت اجرای مجموعه های قراردادی معرفی می کند. به این مفهوم که انحلال یکی از قراردادهای مجموعه سبب فعال شدن ضمانت اجرای مجموعه های قراردادی می شود و انتفای سایر قراردادهای مجموعه را در پی دارد و اصطلاحاً دچار انحلال آبخاری می شوند.

۲.۱. تعریف «caducité» و تمایز آن با فسخ و بطلان

با اصلاح قانون مدنی در سال ۲۰۱۶ ضمانت اجرای «caducité» در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷، وارد قانون مدنی شده و در کنار بطلان^۵ جایگاه بی سابقه ای به عنوان یکی از دو ضمانت اجرای ممکن برای شرایط صحت قرارداد را به دست آورده است؛ بدون آنکه مقنن فرانسوی تعریف مشخصی از آن ارائه کند. واژه caducité از فعل لاتین cadere به معنی رفع شدن و از بین رفتن گرفته شده است. طبق دکترین حقوقی و رویه قضایی، caducité ضمانت اجرای یک عمل حقوقی است که در ابتدا صحیحاً تشکیل شده، اما در اثر وقوع شرایط بعدی، عنصر اساسی وجود خود را از دست می دهد. این ضمانت اجرا حتی اگر قرارداد قبلاً اجرا شده باشد، نیز قابلیت اعمال دارد. در نتیجه این ضمانت اجرا از بطلان^۶ و فسخ قهقری^۷، که دو ضمانت اجرای مجزای دیگر در حقوق قراردادها هستند، متمایز می شود.

وجه اشتراک بطلان و انتفا انحلال عمل حقوقی است. اما بطلان و انتفا در اسباب با یکدیگر متفاوت اند. بطلان ضمانت اجرای

^۱. «condition déterminante du consentement d'une partie».

^۲. une clause d'indivisibilité

^۳. V. Rapport de Madame Kamara- Chambre mixte 11-22.768 sur le site internet de la Cour de cassation. <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000027424507/> (last visited on 2023/ 07/ 23).

گزارش مادام کامرا. شعبه مختلط ۱۱. ۲۲. ۷۶۸. سایت رسمی دیوان عالی کشور فرانسه.

^۴ caducité

^۵. nullité

^۶. la nullité

^۷. la résolution

فقدان شرط صحت از لحظه انعقاد قرارداد به شمار می‌رود؛ اما انتفا، ضمانت‌اجرای قراردادی است که در لحظه انعقاد معتبر است، اما یکی از شرایط اعتبار یا حداقل یکی از شرایط اثربخشی آن در طول اجرای قرارداد از بین می‌رود. بطلان ضمانت‌اجرای مقرر در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی^۱، مستلزم انحلال کلی و ماسبق عقد باطل شده است که در این صورت «فرض می‌شود که قرارداد هرگز وجود نداشته است». بر این اساس طبق مواد ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۲-۹ قانون مدنی موجب استرداد می‌شود.

فسخ و انتفا هر دو ضمانت‌اجرای اجرای قراردادی هستند که صحیحاً منعقد شده و از لحظه انعقاد، نافذ و لازم‌الاجرا بوده است. باوجوداین، فسخ با توجه به سبب آن از انتفا متمایز می‌شود. فسخ ضمانت‌اجرای عدم اجرا یا اجرای غیرمنطبق قرارداد (اجرای ناقص یا معیوب)، اما انتفا ضمانت‌اجرای از بین رفتن شرایط صحت قرارداد است.^۲

۲.۲. شرایط تحقق انحلال آبخاری

از ماده ۱۱۸۶ استنباط می‌شود که تحقق این ضمانت‌اجرا منوط به تحقق دو شرط است: ۱. انحلال یکی از قراردادهای مجموعه؛ ۲. علم به عملیات مجموعی توسط شخصی که علیه وی به انتفا استناد می‌شود.

۲.۲.۱. انحلال یکی از قراردادهای مجموعه قراردادی^۳

طبق ماده ۱۱۸۶ ق.م.ف و رأی ۴ نوامبر ۲۰۱۴ دیوان عالی کشور فرانسه، انحلال یکی از قراردادهای مجموعه قراردادی، شرط ضروری برای فعال شدن ضمانت‌اجرای مجموعه‌های قراردادی یعنی ادعای انتفا سایر قراردادهای مجموعه است.^۴ اما چه نوع انحلالی^۵ می‌تواند منجر به انحلال آبخاری^۶ مجموعه‌های قراردادی شود؟ متن ماده ۱۱۸۶ صرفاً به عبارت انحلال^۷ تصریح می‌کند. بنابراین اولاً عدم اجرای ساده^۸ یک قرارداد نمی‌تواند انتفا سایر قراردادهای مجموعه را توجیه کند. ثانیاً انحلال یک قرارداد به هر علتی که باشد، آثار انحلال آبخاری مجموعه قراردادی را به همراه خواهد داشت. انحلال قرارداد می‌تواند ناشی از فسخ یکجانبه^۹، فسخ قهقری قراردادی^{۱۰}، فسخ قهقری قضایی^{۱۱} یا حتی بطلان قرارداد^{۱۲}

¹ . Art. 1178: Un contrat qui ne remplit pas les conditions requises pour sa validité est nul. La nullité doit être prononcée par le juge, à moins que les parties ne la constatent d'un commun accord.

ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: قراردادی که شرایط ضروری برای اعتبار را نداشته باشد باطل است. این بطلان باید توسط قاضی محکمه اعلام شود، جز در مواردی که طرفین در مورد آن توافق داشته باشند. قرارداد باطل این‌گونه تصور می‌شود که هیچ‌گاه وجود نداشته است. پرداخت‌های انجام‌شده یا تعهدات انجام‌شده تحت شرایط مواد ۱۳۵۲ الی ۹-۱۳۵۲ قانون مدنی مسترد می‌گردد.

² .Dissaux, N, et Jamin, C. “Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations”, *Dalloz*, préc. n° 2, spéc, P 87.

³ . La disparition d'un contrat

⁴ . Cass., Com., 4 nov. 2014, n° 13-24.270, absence de caducité des contrats en cours par l'ouverture d'une procédure collective, faisant de la disparition du contrat principal le préalable nécessaire à la caducité de l'autre contrat.

<https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000029741655/> (last visited on 2023/ 07/ 23).

⁵ . de disparition

⁶ . l'anéantissement en cascade

⁷ . de disparition

⁸ . une simple inexécution

⁹ . résiliation unilatérale

¹⁰ . résolution conventionnelle

¹¹ . résolution judiciaire

¹² . nullité

باشد.

پرسش دیگر آنکه آیا ممکن است انحلال قرارداد نخست به عنوان شرط اعمال ضمانت اجرای وابستگی متقابل قراردادی قابل انتساب به طرف تعهد باشد؟ به عنوان مثال اگر انحلال عقد نخست براساس تدلیس^۱ یا نقض قراردادی^۲ باشد که حسب مورد منجر به بطلان یا فسخ قرارداد شود، آیا همچنان باید انحلال آبخاری را که به نفع متعهد مقصر است اجازه نمود؟ در واقع، ممکن است طرف تعهدی، که انحلال عقد نخست منتسب به اوست، به انتفای قرارداد دوم استناد کند تا به راحتی خود را از قید تعهدات قرارداد دوم رهایی بخشد.

قانون مدنی به این پرسش پاسخی نداده است. به عقیده پروفسور هوگو باریه در ماده ۱۱۸۶ ق.م.ف بر معیار عینی انحلال قرارداد تأکید شده است، لذا صرف انحلال قرارداد صرف نظر از دلیل آن، انتفای قرارداد دوم را در پی خواهد داشت. بنابراین در این زمینه نمی توان معیارهای ذهنی از جمله تقصیر طرفین را به عنوان ملاک اتخاذ کرد و حتی اگر انحلال قرارداد ناشی از تقصیر طرف قرارداد باشد باز هم می توان به اعمال ضمانت اجرای انتفا استناد کرد^۳. البته پر واضح است که مسئولیت جبران خسارت طرف مقصر بر جای خود باقی است.

۲.۲.۲. علم به مجموعه عملیات هماهنگ قراردادی توسط کسی که علیه وی به انتفا استناد می شود^۴

ماده ۱۱۸۶ یک شرط حمایتی از اعضای غیرمستقیم مجموعه قراردادی را می افزاید که از تحقق آثار وابستگی متقابل قراردادی درباره آن ها جلوگیری کند. این شرط که پیش از این در رویه قضایی سال ۱۴۰۱^۵ وضع و شناسایی شده بود؛ اکنون در ماده ۱۱۸۶ پیش بینی شده که مقرر می دارد: «لکن انتفا محقق نمی شود، مگر آنکه متعهدی که علیه وی به انتفا استناد شده هنگام توافق از وجود عملیات کلی آگاه باشد»^۶.

بنابراین صرف نظر از معیار عینی یا ذهنی، وابستگی متقابل صرفاً زمانی می تواند مؤثر باشد که طرفی که علیه وی به انتفا قرارداد استناد شده در لحظه انعقاد قرارداد از وجود عملیات کلی قراردادی مطلع باشد. بنابراین مقنن فرانسوی، علم متعهد را شرط لازم و ضروری برای اجرای وابستگی متقابل قراردادی و انتفای ناشی از آن قرار داده است.

در عمل روشن است که در مجموعه های قراردادی دوجانبه، که قراردادهای توسط طرفین یکسان منعقد می شود، هر دو طرف مطمئناً درباره مجموعه عملیات کلی آگاه هستند. در مقابل در مجموعه های قراردادی چندجانبه، ضروری است تعیین شود که آیا طرفی، که متحمل انحلال آبخاری قراردادهای شده، به تقسیم ناپذیری موجود بین قراردادهای عالم بوده است یا خیر^۷. باید توجه کرد که در این زمینه علم بسیط^۸ به وجود عملیات کلی کافی است و لازم نیست متعهد تحمل ریسک ناشی از انحلال قرارداد را قبول کرده باشد.

^۱. le dol

^۲. manquement

^۳. Barbier, H. "Le point sur l'interdépendance contractuelle, son empire et ses fonctions", *Revue trimestrielle de droit civil*, 2017, P 846.

^۴. La connaissance de l'opération par le contractant

^۵. Cass., 3e civ., 29 janvier 2014, pourvoi n°12-28.836, publié au Bulletin: imposant de rechercher si le cocontractant avait connaissance de l'opération d'ensemble.

^۶. «La caducité n'intervient toutefois que si le contractant contre lequel elle est invoquée connaissait l'existence de l'opération d'ensemble lorsqu'il a donné son consentement».

^۷. Cass., com., 15 juin 1999, pourvoi n°97-12.122.

^۸. La simple connaissance

۲.۳. اوصاف ضمانت‌اجرای انتفا در مجموعه‌های قراردادی

از رویه قضایی و دکتین حقوقی سه وصف برای ضمانت‌اجرای انتفا در مجموعه‌های قراردادی قابل استنباط است.

۲.۳.۱. یک ضمانت‌اجرای خودکار و اتوماتیک^۱

طبق آرای صادره در رویه قضایی از دهه ۱۹۸۰ به نظر می‌رسد در صورتی که قراردادی مبتلا به انتفا شود، قرارداد مزبور به‌طور خودکار و اتوماتیک پایان می‌یابد؛ بدون آنکه ضروری باشد که ابتدا اعلام فسخ قهری^۲ قراردادهای دیگر را از دادگاه تقاضا کرد^۳.

آیا انتفا به‌طور مستقیم عمل می‌کند یا اعمال آن مستلزم ورود قاضی و دستگاه قضایی است؟ ماده ۱۱۸۷ در این باره ساکت است. مانند سایر ضمانت‌اجراها، در صورت عدم اختلاف طرفین، اعمال ضمانت‌اجرای مزبور بدون دخالت دادگاه فراهم است و انتفا به‌طور مستقیم اعمال می‌شود. در مقابل، در صورت حصول اختلاف بین طرفین، اعمال انتفا، مستلزم مداخله دادگاه به‌منظور ارزیابی واقعیت انحلال قرارداد و ماهیت اساسی یا تعیین‌کننده قرارداد منحل شده است. به نظر می‌رسد که این امر موجب سلب اختیار از قاضی در ارزیابی می‌شود؛ یعنی اعم از اینکه رفتار طرفین تقصیرآمیز باشد یا نباشد، قاضی صرفاً می‌تواند انتفا را اعلام کند و رأی مزور صرفاً یک رأی اعلامی است^۴. با این حال، در صورت درج شرط تقسیم‌ناپذیری^۵، قاضی می‌تواند قدرت حاکمیتی خود را بازیابد. او قادر خواهد بود در این فرض اثربخشی شرط را ارزیابی کند و در نتیجه احتمالاً مانع انتفا قرارداد شود^۶.

۲.۳.۲. یک ضمانت‌اجرای کامل^۷

در مواجهه با انتفا هیچ‌یک از مفاد قرارداد از جمله شروط آن باقی نمی‌ماند؛ یعنی برخلاف اراده و قصد طرفین مبنی بر بقای برخی شروط از جمله شروط حل و فصل اختلاف^۸، شرط عدم رقابت^۹ و شرط حفظ محرمانگی^{۱۰}، هیچ شرطی باقی نمی‌ماند. شرط خسارت برای فسخ پیش از موعد^{۱۱} نیز اعمال نمی‌شود؛ زیرا قرارداد منتفی شده است و دیگر شرط مزبور سالبه به انتفا موضوع خواهد بود. این موضوع صریحاً در آرای معروف ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۷ در مورد اجاره مالی^{۱۲} بیان شده است. دیوان عالی کشور نیز اخیراً تأیید کرده که شروط پیش‌بینی شده در صورت فسخ قرارداد^{۱۳} غیرقابل اجراست^{۱۴}. رأی

^۱. Une sanction automatique

^۲. la résolution

^۳. V. p. ex Cass., com., 28 avril 1982, pourvoi n°80-16.678, : considérant que la caducité opérait de manière automatique en cas d'impossibilité d'exécution!

در صورت تعذر اجرای قرارداد، انفساخ قرارداد به‌صورت خودکار اعمال می‌شود.

^۴. Bros, S. "Les contrats interdépendants dans l'ordonnance du 10 février 2016", *La semaine juridique*, 2016, P 458.

^۵. une clause d'indivisibilité

^۶. Benhamou, op.cit., P 47.

^۷. Une sanction intégrale

^۸. les clauses de règlement des différends

^۹. non-concurrence

^{۱۰}. confidentialité

^{۱۱}. résiliation anticipée

^{۱۲}. de location financière

^{۱۳}. les clauses prévues en cas de résiliation du contrat

^{۱۴}. V. Cass., ch. mixte, 13 avril 2018, pourvois n°16-21.345 et 16.21-947, publié au Bulletin, JCP 2018, n°543, note Frédéric Buy.

دیوان در این پرونده^۱ درمورد شرط ضمانت^۲ و شرط اسقاط حق اقامه دعوا^۳ پیش‌بینی شده در یک قرارداد حاوی اجاره اعتباری^۴ است. البته این راه‌حل کاملاً جدید و مبتکرانه نبود؛ زیرا شعبه مختلط دیوان عالی کشور قبلاً در آرای خود در سال ۱۹۹۰ به این مطلب اشاره کرده بود.^۵

اگرچه مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ قانون مدنی درمورد سرنوشت شروط فوق‌الذکر در حقوق عرفی و قلمرو انتفا ساکت است، بی‌اثر ساختن شروط مزبور تا آنجا که پیش‌بینی آنها با هدف تنظیم نتایج و عواقب فسخ قرارداد^۶ است، منطقی است؛ زیرا شروط مزبور برای تنظیم روابط طرفین بعد از فسخ پیش‌بینی شده‌اند؛ اما اکنون طرفین با انتفا روبه‌رو هستند. به‌علاوه به نظر می‌رسد راهکارهای شناسایی شده در زمینه اجاره مالی^۷ و اجاره اعتباری^۸ به‌سهولت قابل انتقال به حقوق متداول قراردادهاست تا در مجموعه‌های قراردادی انعقاد یافته قبل یا بعد از لازم‌الاجرا شدن اصلاحات جدید قانون مدنی اعمال شود. شایان ذکر است که در اجاره‌های مالی و اعتباری شروط مغایر با وابستگی متقابل نانوشته تلقی می‌شوند. باین‌حال متخصصان حقوقی می‌توانند با پیش‌بینی شروطی جهت اعمال در فرض انتفای قرارداد، از ایجاد مشکلات احتمالی در فرض انتفای قرارداد جلوگیری کنند.^{۹،۱۰}

۲.۳.۳. یک ضمانت اجرای قهقرایی^{۱۱}

علیرغم جنبش قانونی کردن رژیم وابستگی متقابل قراردادی و انتفا در قانون مدنی، ابهامات عمده‌ای درمورد قلمرو تأثیرات انتفا در طول زمان، هم در رویه قضایی و هم در دکترین حقوقی باقی است. آیا ضمانت اجرای مزبور فقط درباره آینده مؤثر است یا دارای آثار قهقرایی است؟

ماده ۱۱۸۷ مقرر می‌دارد: «انتفا باعث پایان یافتن و انحلال قرارداد می‌شود»^{۱۲}. مفاد ماده ناقص به نظر می‌رسد؛ به‌نحوی که تشخیص قلمرو این ضمانت اجرا از حیث زمانی دشوار است. این نکته مسلم است که طرفین از انجام خدمات آتی معاف خواهند شد؛ انتفا قرارداد را برای آینده از بین می‌برد و منحل می‌کند.

ماده ۱۱۸۷ در ادامه مقرر می‌دارد: «انتفا می‌تواند وفق مقررات مقرر در مواد ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۲-۹ موجب استرداد شود»^{۱۳}. استعمال فعل (peut) به معنای «ممکن است» در متن ماده، حاکی از آن است که این استرداد (وضع سابق) اجباری و ضروری نیست. باین‌حال به دلیل فقدان جزئیات و توضیحات تکمیلی در این زمینه، تعیین اینکه قانون‌گذار تا چه اندازه خواستار اعمال ضمانت اجرای قهقرایی بوده که عطف بما سبق می‌شود، دشوار است.

1. Ibid.

2. une clause de garantie

3. une clause de renonciation à recours

4. de crédit-bail

5. V. en ce sens Cass., ch. mixte, 23 novembre 1990, pourvois n°86-19.396, 87-17.044 et 88-16.883, Bull. civ. ch. mixte, n°2 et 3 ; JCP G 1991: refusant de maintenir une clause de non-recours d'un contrat résilié.

6. résiliation. اثر این فسخ نسبت به آینده است.

7. de location financier

8. de crédit-bail

9. Cass., com., 22 mars 2011, pourvoi n°09-16.660, : la caducité d'un contrat n'affecte pas la clause pénale qui y est stipulée et qui doit précisément produire effet en cas de défaillance fautive d'une partie.

10. Cass., com., 10 mars 2015, n°13-27.993, non publié au Bulletin, RTD civ. 2015. 378, obs. H. Barbier; Cass., 1e civ., 11 mai 2017, n°15-21.456, publié au Bulletin.

11. Une sanction rétroactive

12. «La caducité met fin au contrat».

13. Article 1187: «La caducité met fin au contrat. Elle peut donner lieu à restitution dans les conditions prévues aux articles 1352 à 1352-9».

به عقیده دکتربین حقوقی، عدم قطعیت موجود در متن ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی عامدانه است. به دلایل واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه، به قاضی این آزادی و اختیار عمل را داده شده تا در هر مجموعه قراردادی که نزد وی مطرح می‌شود امکان عطف‌بماسبق شدن انتفا را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال ارزیابی کند^۱. بنابراین آثار انتفا می‌تواند بر حسب موقعیت و شرایط، یعنی بر حسب عواملی مانند تاریخ هر قرارداد، بخشی که از مجموعه‌های قراردادی از بین رفته یا بسته به نوع قرارداد متفاوت و متغیر باشد. خصوصاً که در ماده ۱۱۳۱ پیش‌نویس پروژه کاتالا این اختیار به قضات واگذار شده بود. این ماده مقرر می‌داشت: «عطف بما سبق شدن با توجه به شرایط هر مورد اعمال می‌شود»؛ بنابراین قاضی باید سودمندی اجراهای گذشته برای طرفین یا عدم امکان برخی استردادها را در نظر بگیرد. این اختیار اعطاشده در ماده ۱۱۸۷ ممکن است با توجه به طیف وسیعی از مجموعه‌های قراردادی که مانع ایجاد یک راه‌حل واحد است عاقلانه و منطقی باشد.

نتیجه‌گیری

تحولات روزافزون اقتصادی، گذار از دیدگاه استقلال خدشه‌ناپذیر قراردادهای به سوی پذیرش مفهوم گروه‌های قراردادی را ناگزیر کرده است. در همین راستا نظام حقوقی فرانسه تقریباً از سال ۱۹۷۰ در سطح دکتربین، رویه قضایی و قانون‌گذاری به این موضوع توجه کرده و ضمن فاصله گرفتن از دیدگاه استقلال تام قراردادهای به تئوری‌پردازی در زمینه گروه‌های قراردادی و تبیین انواع مختلف ارتباط بین قراردادهای متعدد و آثار مترتب بر این تئوری پرداخته‌است. بر همین اساس، با توجه به نوع ارتباط بین قراردادهای در نظام حقوقی فرانسه، گروه‌های قراردادی به دو دسته زنجیره‌های قراردادی و مجموعه‌های قراردادی تقسیم شده است. زنجیره‌های قراردادی قراردادهایی متوالی‌اند که از طریق موضوع یا علت مشترکی با یکدیگر مرتبط شده‌اند. اما در مجموعه‌های قراردادی، یک هدف عمده اقتصادی وجود دارد که سبب ارتباط قراردادهای با یکدیگر می‌شود به گونه‌ای که تمام قراردادهای مجموعه تحقق آن هدف واحد اقتصادی را دنبال می‌کنند. حرکت نظام حقوقی فرانسه در شناسایی مجموعه‌های قراردادی بسیار پرفراز و شیب بوده است. تا مدت‌های مدید حقوق فرانسه از پذیرش این مفهوم، که در تعارض آشکار با اصل نسبی بودن قراردادهای بود، سر باز می‌زد. اما تحولات اقتصادی پذیرش مفهوم گروه‌های قراردادی، خصوصاً مجموعه‌های قراردادی، را ناگزیر ساخت. چراکه تحقق یک پروژه کلان اقتصادی جز از طریق انعقاد ده‌ها یا حتی صدها قراردادی، که ارتباط تامی با یکدیگر دارند، محقق نمی‌شود. با پذیرش تدریجی مفهوم مجموعه‌های قراردادی در نظام حقوقی فرانسه، گام‌های جدی و ارزشمندی در این مسیر برداشته و آرای متعدد و معتناهایی از دیوان عالی کشور فرانسه صادر شد. این تحولات نهایتاً سبب شد که مقنن فرانسوی در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ قانون مدنی در اصلاحات ۲۰۱۶ مفهوم مجموعه‌های قراردادی را شناسایی کند و ضمانت‌اجرای حقوقی انتفا را به آن اختصاص دهد؛ به گونه‌ای که اگر یکی از قراردادهای مجموعه منحل شود، سایر قراردادهای مجموعه به نحو آبخاری منتفی خواهند شد؛ البته مشروط بر اینکه طرفین مجموعه به وجود عملیات کلی بین قراردادهای عالم باشند.

علی‌رغم خلأهای قانونی موجود در این حوزه، جنبش حقوق فرانسه خصوصاً در سال ۲۰۱۶ بسیار تحسین‌برانگیز و جرأت‌مندانه بوده است که می‌تواند سرلوحه تحولات نظام حقوقی ایران در زمینه شناسایی گروه‌های قراردادی و وضع ضمانت‌اجرای مناسب برای آن باشد.

^۱ . Chenede, Francois. *Le nouveau droit des obligations et des contrats. Consolidations - innovations - perspectives*, (édition 2019/2010) (2e édition), Paris: Dalloz, 2019, P 223.

شایان ذکر است همان ضرورت‌های اقتصادی، که پذیرش مفهوم گروه‌های قراردادی را در حقوق فرانسه ناگزیر کرد، در مورد حقوق ایران نیز صادق است. تحولات چشمگیر اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی و لزوم تحقق اهداف اقتصادی از طریق انعقاد و اجرای چندین قرارداد مرتبط، عدول از دیدگاه استقلال تام و خدشه‌ناپذیر قراردادها و حرکت به سمت پذیرش تئوری گروه‌های قراردادی در حقوق ایران را نیز به یک ضرورت ناگزیر مبدل کرده است.

در همین راستا بهره‌گیری از تجربیات حقوق فرانسه در زمینه شناسایی گروه‌های قراردادی طرح تئوری گروه‌های قراردادی را تسریع می‌بخشد. البته باید توجه داشت که حقوق ایران خصوصاً در زمینه فقه معاملات چندان هم با این مفهوم نوین حقوقی بیگانه نیست. فقه معاملات از دیرباز به برخی مصادیق قراردادهای مرتبط، از جمله وکالت فرعی، اجاره فرعی و معاملات متعدد در مباحثی مانند عقود مترتبه در بیع فضولی و تعاقب ایادی در بیع مال مغضوب پرداخته است. بهره‌گیری از دستاوردهای حقوق فرانسه در کنار توجه به ظرفیت عظیم فقه معاملات در این حوزه، ارائه طرحی جامع و کامل از تئوری گروه‌های قراردادی، خصوصاً در بحث مجموعه‌های قراردادی را در حقوق ایران میسر و ممکن خواهد ساخت.

References

Books

1. Carbonnier, Jean. *The Obligations*, Paris: PUF (University Press of France), 22th Edition, 2000. (in French)
2. Chenede, Francois. *The new obligations and contracts Law; Consolidations - Innovations - Perspectives*, Paris: Dalloz, Second Edition, 2019. (in French)
3. Deshayes, Olivier., Genicon, Thomas., Laithier, Yves-Marie. *Reform of contract law, general regime and proof of obligations*, paris: Dalloz, 2018. (in French)

Articles

4. Barbier, H. "The point on contractual interdependence, its empire and its functions", *Review of Civil Law Quarterly*, 2017. (in French)
5. Bros, S. "Interdependent contracts in the order of 10 February 2016", *Legal Week*, 2016. (in French)
6. Dissaux, N. and Jamin, C., "Reform of contract law, general regime and proof of obligations", *Dalloz*, Previous 2, on spec. (in French)

Thesis

7. Benhamou, Elsa. "Contractual interdependence", Master's thesis, *The University of Grenoble Alpes*, 2018. (in French)
8. Pelle, Sebastien. "The concept of contractual interdependence, contribution to study of contracts collection", Law Doctorate Thesis, *Pantheon-Assas University*, 2007. (in French)
9. Serag-Aldin, Sami. "Clauses having effect at the level of groups of contracts", Doctorate Thesis, Lyon: *The University of Jean Moulin*, 2014. (in French)
10. Teyssie, B. "The groupes de contrats", Law Doctorate Thesis, Montpellier, 1975. (in French)

Cases

11. Cass., com., 21 March 1972, Appeals No. 70-12.836, Published in the Bulletin (last visited: 2023/07/23). (in French)
12. Cass., com., 28 April 1982, Appeals No. 80-16.678. Cass., ch. mixed, 13 avril 2018, pourvois n°16-21.345 et 16.21-947, publié au Bulletin, JCP 2018, n°543, note Frédéric Buy. (in French)
13. Cass., ch. mixed, 23 November 1990, Appeals No. 86-19.396, 87-17.044 and 88-16.883, Bull. civ. ch. mixed, No 2 and 3 ; JCP G 1991. (in French)

14. Cass., com., 15 June 1999, Appeals No. 97-12.122. (in French)
15. Cass., com., 13 February 2007, Appeals No. 05-17.407, Bull. civ. IV, No. 43; <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000017635684/> (last visited: 2023/ 07/ 23). (in French)
16. Cass., com., 22 March 2011, Appeals No. 09-16.660. (in French)
17. Cass., ch. mixed, 17 May 2013, Appeals No. 11-22.768 and No. 11-22.927, Published in the Bulletin, R., P 507 ; Bull. ch. Mixed No.1; D. 2013. 1273, obs. Delpech <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000027424507/> (last visited: 2023/ 07/ 23). (in French)
18. Cass., Third civ., 29 January 2014, Appeals No.12-28.836, Published in the Bulletin. (in French)
19. Cass., Com., 4 November. 2014, No. 13-24.270, <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000029741655/>(last visited: 2023/ 07/ 23). (in French)
20. Cass., com., 10 March 2015, No. 13-27.993, Not Published in the Bulletin, RTD civ. 2015. 378, obs. H. Barbier. (in French)
21. Cass., First civ., 11 May 2017, No. 15-21.456, Published in the Bulletin. (in French)
22. Cass., ch. mixed, 13 April 2018, Appeals No. 16-21.345 and 16.21-947, Published in the Bulletin, JCP 2018, No. 543, Note Frederic Buy. (in French)
23. Report by Mrs. Kamara - Joint Chamber 11-22.768 on the website of the Court of Cassation <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000027424507/>(last visited: 2023/ 07/ 23). (in French)